

به نام خدا

تأثیر خداشناسی بر تعلیم و تربیت

مؤلف :

سیده رقیه موسوی قلعه

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: موسوی قلعه، سیده رقیه، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور: تاثیر خداشناسی بر تعلیم و تربیت / مولف سیده رقیه موسوی قلعه.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۰۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۳۹۹-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: خداشناسی - تعلیم و تربیت
رده بندی کنگره: PN۲۱۸۴
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۹۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: تاثیر خداشناسی بر تعلیم و تربیت
مولف: سیده رقیه موسوی قلعه
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۰۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۳۹۹-۹
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

فصل اول کلیات.....	۷
تعریف و تبیین موضوع	۷
ضرورت و اهداف تحقیق	۷
پیشینه موضوع	۸
فرضیه ها یا سوالات اصلی و فرعی	۸
فصل دوم شناخت شناسی	۱۱
تعریف شناخت	۱۱
امکان شناخت	۱۳
پیرامون و امکان شناخت	۱۴
وسایل و ابزار شناخت	۱۴
نظر قرآن درباره ابزار شناخت	۱۶
انواع و ابعاد شناخت	۱۸
شناخت بدیهی و شناخت نظری	۲۰
مراحل و درجات شناخت	۲۰
نظریات مبتنی به یک مرحله ای بودن شناخت	۲۱
فصل سوم مسئله شناخت در آیات	۲۳
نظر قرآن نسبت به مساله شناخت	۲۳
انواع و ابعاد شناخت از دیدگاه قرآن	۲۴
ضرورت آماده کردن فرد و جامعه برای شناخت صحیح	۲۵
انواع شناخت	۲۶

- ۲۶..... شناخت حسی و ویژگی های آن
- ۲۷..... شناخت عقلی و گستردگی آن
- ۲۸..... تبدیل شناخت سطحی به شناخت منطقی
- ۲۸..... شناخت آیه ای
- ۳۰..... آیا عمل ، تنها کلید شناخت است ؟
- ۳۱..... شناخت در امتداد سالهای عمر انسانی
- ۳۳..... خداشناسی در قرآن از دیدگاه نهج البلاغه
- ۳۴..... شناخت مستند به خدا است
- ۳۸..... خدا در اندیشه غرب
- ۴۳..... فصل چهارم خداشناسی**
- ۴۳..... شناخت خدا
- ۴۳..... شناخت خدا برترین شناخت هاست
- ۴۴..... شناخت خدا و کامل شدن شناخت انسان
- ۴۴..... لزوم شناخت خدا
- ۴۶..... اهمیت شناخت خدا
- ۴۶..... اول الدین معرفته - سرآغاز دین ، شناخت خداست .
- ۴۹..... راه های شناخت خدا
- ۶۰..... روش خداشناسی
- ۶۲..... آثار شناخت خدا
- ۶۶..... شرایط شناخت خدا
- ۶۶..... شرایط شناخت خدا از طریق عقل

- شرایط شناخت خدا از طریق قلب..... ۶۷
- فایده خداشناسی ۶۷
- تفاوت بین خدا شناسی و غیر آن ۶۹
- نظر ادیان در مورد خداشناسی ۷۰
- آثار فردی واجتماعی توحید ۷۱
- آثار اجتماعی ۷۲
- خدا شناسی و علم ۷۳
- خداشناسی و مادیگرایی ۷۴
- تعریف خداشناسی ۷۷
- خداشناسی نیازی طبیعی است ۷۸
- آیا شناخت امکان پذیر است؟ ۷۹
- خداشناسی مبنای انسانیت ۸۰
- خدا در قرآن ۸۱
- خداشناسی در قرآن ۸۲
- خدا و یگانگی او در قرآن ۸۴
- آیاتی که خدا را از طریق توجه دادن به فطرت آدمی اثبات می کند ۸۵
- دلیل او بر یگانگی ۹۰
- فطری بودن خداشناسی ۹۲
- اعتقاد عالمانه به توحید ۹۴
- آگاهی موجودات به مبدأ ۹۶
- دیدگاه ها در شناخت خدا ۹۷
- آیا خدا زمان و مکان دارد ۹۸

آیاتی که شریک را برای خدا نفی می کند.....۱۰۰

فهرست منابع و مآخذ.....۱۰۳

فصل اول

کلیات

تعریف و تبیین موضوع

معنای لغوی خداشناسی: خدا به معنی الله- ذات باری تعالی - خالق کل کائنات و موجودات. خداجویی یعنی عمل جستن خدا، کنایه از تقوی و دینداری. خداشناسی یعنی پارسا. خداشناسی به معنای شناخت خدا- کنایه از تدین و دینداری می باشند. خداشناسی در اصطلاح یعنی شناختن خدا- شناختن خدا که در فطرت و ذات هر موجودی قرار دارد. شناخت خدا یک امری است که هر فردی بدنبال آن می باشد. انسان هنگامی که به دنبال شناخت می باشد از اعماق فکر و دل خود به آن توجه می کند. شناخت خدا فقط به مردم مسلمان و پیروان دین اسلام اختصاص ندارد بلکه هر فردی با هر دین و آیینی و مذهبی به دنبال شناخت خداست. در واقع شناخت خدا، شناختن خود و شناخت جهانیان می باشد.

ضرورت و اهداف تحقیق

امروزه گمان می رود بسیاری از مردم از اسلام و خداشناسی و خودشناسی دور افتادند و از این قضیه روی گردان و فراری شده اند. اما تمایلات و نیات درونی انسان ها آن ها را به اصل و ذات خویش بر می گرداند ضروری است که انسان ها به شناخت خدای خود بپردازند. شناخت خدا از راهها و روش های مختلف امکان پذیر می باشد. اما با روشی درست و صحیح به شناخت خدا به این کار بپردازیم. بنده در این تحقیق سعی کردم به جمع آوری مطالبی در مورد خداشناسی نمودم بلکه مورد قبول خوانندگان و اهل علم واقع شود. و هدفم از این نوشتار این بوده که از خودشناسی به خداشناسی و معرفت نفس برسم و نیاز مردم و خوانندگان با این اثر و قلم برطرف شود. و برخورد لازم دانستم که یک بار علمی ارائه دهم تا چراغ هدایتی باشد برای نسل حاضر و آینده.

پیشینه موضوع

با دقت در زندگی انسان ها و مطالعه ی تاریخ و روایات یافت می شود که انسان ها به دنبال شناخت خدا و ذات خود بوده اند. چنان چه خداوند در آیات مختلف به شناخت خود و جهان مادی و معنوی توجه نموده اند.

شناخت خدا از طریق انبیای الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) هم انجام گرفته است و در حال حاضر مبلغین دین هم به شناخت خدا می پردازند. کتاب های زیادی در مورد خدانشناسی نوشته شده است از جمله کتاب خدانشناسی آقای سید رضا برقی و دیگران که در این کتاب به شناخت خدا پرداخته شده است. یا کتاب خدا (پرسش ها و پاسخ های دینی) آقای حسین سوزن چی و ... در تمامی کتاب ها سعی شده به شناخت خدا از طرق مختلف اشاره شود. اما نویسندگان اندکی هستند و بودند که نوشتار آنان کامل و بی عیب بوده مانند: بنده هم با اندک مطالعه و تحقیق که انجام دادم سعی نمودم به بعضی از مطالبی که دیگران آن مطالب را در نوشته های خود نیاوردند من در تحقیق خود آنها را بگنجانم و از این رو مطالب ناقص و کاستی ها را جبران نماید البته می دانم که تحقیق بنده هم تا حدودی نواقصی دارد و امید دارم که با توجه و مطالعه دیگران این نواقص از بین برود.

فرضیه ها یا سوالات اصلی و فرعی

همیشه و همواره سوالاتی در ذهن بشر وجود داشته و دارد که تا به امروز هنوز هم پاسخی به بعضی از این سوالات داده نشده است با توجه به این که علم همواره در حال پیشرفت می باشد و دانشمندان در حال کشف چیزهای جدیدی هستند اما در این نوشتار یا تحقیق سعی نمودم به بعضی از سوالات خدانشناسی پاسخ دهم هر چند به صورت اندک و مختصر می باشد.

۱. خدانشناسی یعنی چه؟

۲. آیا می توان از خودشناسی به خدانشناسی برسیم؟

۳. آیا خدانشناسی در زندگی مردم تاثیری دارد؟

۴. آیا خداوند به شناخت خود اهمیت داده است؟

۵. آیا خداشناسی در قرآن هم وجود دارد؟

۶. آیا خداشناسی در ادیان مختلف و از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و غربی وجود دارد؟

۷. شناخت خدا اهمیتی دارد یا نه؟

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت کتابخانه ای و مطالعه و جمع آوری مطالب از کتاب های معتبر و مرجع بوده است.

کلید واژه

خدا: ذات باری تعالی - خالق کل کائنات و موجودات.

خداجویی: عمل جستن خدا، کنایه از تقوی و دینداری.

خداشناس: پارسا.

خداشناسی: (ف) شناخت خدا - کنایه از تدین و دینداری.

فصل دوم

شناخت شناسی

تعریف شناخت

این پدیده نه نمود فیزیکی دارد و نه نمود فیزیولوژیک. اگر هم در موقع حصول شناخت در ذهن تحریکات و پدیده های فیزیولوژیک در نتیجه ی حصول شناخت بوجود می آید باز خود آن پدیده نمود مستقیمی ندارد تا در مقولات کیفی و کمی وارد شود.^۱ برای تعریف شناخت باید مسائل زیر را در نظر گرفت :

۱- خلاء نسبی ذهن - مقصود از خلاء نسبی عدم اشتغال فعلی ذهن به عمل انعکاس صور و فعالیت های دیگر است نه خلاء به معنای واقعی. هر اندازه که سطح ذهن با آگاهی ها اشتغال شود عمل انعکاس صور دشوار تر و گاهی تا حد ناممکن می رسد.

۲- وجود انگیزه انعکاس که عامل شناخت نامیده می شود. این عامل دارای انواعی است که در این فصل به آن پرداخته شده است مانند عامل جبر حسی و ذهنی و عامل جبر زندگی و غیره .

۳- تعیین صورت منعکس بوسیله ی حذف و انتخاب های مناسب به عنوان مثال هنگامی که می خواهیم شکل هندسی یک جسم را در ذهن منعکس نموده و آن را برای شناخت در ذهن مورد توجه قرار بدهیم از رنگ و ثقل و طعم و ارزش آن قطع نظر می کنیم و با این قطع نظر کردن موضوعی را که می خواهیم صورت آن را به ذهن منتقل بسازیم تعیین می یابد زیرا ذهن بشری قدرت منعکس ساختن موضوعی نا معین را در ذهن ندارد.

۴- آگاهی ثانوی به موضوع منعکس شده در ذهن این آگاهی بالاتر از آگاهی ابتدایی است که محصول ارتباط ابتدایی ذهن با موضوع است مانند آگاهی به صدها پدیده مختلف که

۱- محمد تقی جعفری، شناخت از دیدگاه علمی، ص ۸۴

در موقع عبور از خیابان بوجود می آید و مانند اینکه موضوعات و پدیده ها در ذهن رژه می روند ذهن آنها را برای توجه و شناخت متوقف نمی سازد. آگاهی ثانوی عبارت است از گرفتن موضوع منعکس شده در ذهن و بر نهادن آن برای شناخت

۵- فعالیت آگاهانه یا نا آگاهانه برای نگهداری صورت منعکس در ذهن یا برای نگهداری دو صورت موضوع و محمول در قضا یا که شناخت رابطه میان آن دو مطلوب است مانند نگهداری مفهوم خردمند و مفیدیت در قضیه ی ((خردمند برای جامعه مفید است)). که مقصود شناخت رابطه میان مفیدیت و خردمندی است. باید توجه داشت که حکم به روابط میان موضوع ها و محمول ها غیر از شناخت محض است زیرا حکم چنان چه در مبحث تصدیق خواهد آمد فعالیت ذهن روی شناخته شده است

۶- با اهمیت ترین مسئله شناخت که بدون درک آن هویت شناخت قابل فهم نخواهد بود دو بعدی بودن پدیده شناخت است: بعد یکم -تأثیر ذهن از صورت منعکس به همین جهت است که در حالت انعکاس موضوعات حیا تی ممکن است همه سطوح روانی تحت تأثیر موضوع قرار گرفته واز آن متأثر گردند و چون معمولاً صورت های منعکس در ذهن پدیده های معمولی و بی طرف می باشند و تأثیر در چگونگی اصل حیات آدمی ندارند لذا چنین گمان می رود که کار ذهن در حال منعکس ساختن موضوعات و روابط کار آینه ای محض است.^۱

بعد دوم -فعالیت خاص ذهنی است که پس از انعکاس موضوع در جریان شناخت بوجود می آید. چون این نوع فعالیت نمودی مانند نمود فیزیکی در جهان عینی ندارد چاره ای جز این وجود ندارد که هر کس در جریان شناخت فعالیت مزبور را درک نماید همچنین است انعکاس محض ذهن اگر چه می توان آن را به انعکاس آینه ای تشبیه کرد به همین جهت است که ما نمی توانیم فعالیت ذهن برای شناخت و تأثیر ذهن در حال انعکاس صورت و روابط در آن را به عنوان دو پدیده ی کامل و واضح و روشن از دیدگاه علمی وعینی

۱- محمد تقی جعفری، شناخت از دیدگاه علمی، ص ۸۶.

مطرح کنیم با نظر به جریان انعکاسات و فعالیت های ذهن روی آنها می توان گفت: شناخت ها با نظر به تنوع انواع موضوع وروا بط متنوع میباشد.¹

اهمیت و قدمت مساله شناخت

دنیا دنیای مکتب و ایدئولوژی است مکتب و ایدئولوژی بر پایه ی جهان بینی است و جهان بینی بر پایه ی شناخت. از این جا انسان به اهمیت مسئله شناخت پی می برد. آنکه ایدئولوژی اش مثلا بر اساس جهان بینی ما دی است جهان بینی مادی اش بر اساس نظریه خاصی در باب شناخت است. آن دیگری ایدئولوژی دیگری دارد بر اساس جهان بینی دیگری و آن جهان بینی بر اساس نظریه ای است که در باب شناخت دارد. مسئله شناخت یک مسئله بسیار قدیمی است و بیش از دو هزار سال از عمر آن می گذرد. در فلسفه و حکمت اسلامی ما با بی تحت عنوان ((نظریه المعرفه)) یعنی ((نظریه شناخت)) نداریم ولی اغلب مسائلی که در باب شناخت مطرح است به طور متفرقه در مسائل مربوط و کیفیات نفسانی {مطرح شده است}. بنابراین از قدیم به اهمیت این مسئله کم و بیش پی برده بودند ولی امروزه فلسفه های دنیای جدید بیشتر و بیشتر در اطراف نظریه شناخت دور می زند.

(مطهری مجموعه آثار ۳۴۲)

امکان شناخت

اولین سخن در باب شناخت که از قدیم مطرح بود. و امروز هم مطرح است این است که اصلا آیا شناخت ممکن است؟ آیا می شود جهان را شناخت؟ آیا می شود انسان را شناخت؟ آیا می شود هستی را شناخت؟ عده ای از بیخ منکرند می گویند شناخت برای بشر غیر ممکن است یعنی یک شناخت قابل اعتماد و اطمینان برای بشر یک امر ناممکن است ((لا اداری گری)) یعنی «نمی دانم گری» سرنوشت محتوم بشر است. (همان-۳۴۳)

پیرامون و امکان شناخت

در دوران بعد از سقراط گروهی هستند که آنها را «شکاگان» می نامند و معروفترین شخصیت آنان مردی است به نام پیرهون. او ده دلیل بر عدم امکان شناخت اقامه کرده است می گوید: شناختن امر ناممکنی است (شک) و (نمی دانم) سرنوشت محتوم بشر است. یک دلیل بسیار ساده اش این است: انسان اگر بخواهد بشناسد ابزار شناختش چیست؟ مادو ابزار که بیشتر نداریم یکی حس است و دیگری عقل. و می گوید: دراستدلاهای عقلی علما و فلاسفه دائما اشتباه رخ می دهد. پس حس خطا می کند عقل هم خطا می کند و ما غیر از این دو چیزی دیگری نداریم. پس هرچه را که فکر می کنیم و دربارہ ی هرچه که می اندیشیم یا قوای ما د خالت دارد یا عقل ما و هر دو و این هر دو جایز الخطا هستند پس به هیچ کدام از این ها نمی توان اعتماد کرد. (همان-۳۴۳ و ۳۴۴)

شناخت فطری یا کسبی؟

هنگامی که قرآن در صدد حل این مشکل بر می آید بین این دو امر مهم یعنی معرفت خارجی و استعداد ذاتی فرق و امتیاز قایل می شود. شناخت خارجی عبارت از معارف متضادی است که از جهان خارج به فکر انسانی راه می یابد و استعداد ذاتی عبارت از تکلیف طبیعی تجارب است با معاف وارده از خارج و رنگ آمیزی این معارف به اموری که سازگار با استعداد فطری انسان است که هر یک از آن دورا اکنون مورد بررسی قرار خواهیم داد.

وسایل و ابزار شناخت

نوع اول: طبیعی ترین و ابتدایی ترین وسایل و ابزار شناخت حواس طبیعی آدمی است که مقداری از آنها، اجزایی از کالبد آدمی است. این اجزاء عبارتند از چشم و گوش و بینی و لامسه و ذائقه. آنچه که ثابت شده است، این است که این حواس می توانند واسطه انتقال پدیده های عینی به سلسله ی اعصاب گشته و آنها راتحت تاثیر قرار بدهند یا در آنها منعکس گردند، ولی این مسئله وجود دارد که همه ی پدیده هایی که بوسیله حواس طبیعی به درون انسان منتقل می شوند، همان هویتی را که در جهان عینی داشتند، درون حفظ نمی کنند. آنچه را که ذهن یا اعصاب و سلول ها یا هر واقعیتی که پدیده های برونی را به وسیله

حواس تحویل می گیرد، جز درک مشخصی از آنها را ندارد. لذا می توان گفت: کوشش برای اثبات اینکه در جریان شناخت یک نوع کنش و واکنش فیزیکی یا فیزیولوژیک میان درون و برون انجام می گیرد، هرگز به نتیجه علمی صحیح نخواهد رسید. جریان قانون علیت در تاثیر و تاثیر درون و برون یک قانون کلی است، ولی نه به آن معنی که در جهان طبیعی برونی دیده می شود.

نوع دوم: وسایل و ابزار مصنوعی شناخت

بشر برای توسعه ارتباطات معرفتی خود با جهان هستی، به ساختن وسایل و ابزار دقیق تر و عالی تر اقدام نموده و به موفقیت های بسیار چشمگیر نائل شده است. میکروسکوپ و تلسکوپ و دیگر وسایل ظریف و عالی را تعبیه نموده حتی موجودات و پدیده هایی را که مثلا با چشم طبیعی دیده نمی شود، می بیند این وسائل و ابزار از آن جهت که نموده و روابط بیشتری را از جهان هستی برای ماقابل درک می سازد، نه تنها برای ما مهم است، بلکه امروز با نظر به باز شدن ابعاد انسانی و سطوح طبیعت، از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد، ولی آنچه که درباره ی این وسائل و ابزار مربوط به مسئله شناخت است، این است که این ابزار به هر درجه از عظمت و دقت هم که برسند، به هیچ وجه نمی توانند دخالت حواس و شرایط درونی خاص ما را به کلی حذف نموده ذهن ما را به شکل یک آئینه ی محض در آورند که واقعیت ها را آن چنان که هستند در درون ما منعکس شوند. دلیل این مدعا سه مسئله است. مسئله یکم - این است که این ابزار و ادوات با دست بشر ساخته و تابع حذف و انتخاب بشر در اجزاء و روابط عالم هستی است. به این معنی که میکروسکوپ ها بر تالی نشان دادن ذرات بسیار کوچک که با چشم غیر مسلح دیده نمی شوند، ساخته شده است. چرا؟ برای اینکه ما می خواهیم آن میکروسکوپ ها را ببینیم و شکل و هویت و کار آنها را که می توانند از راه میکروسکوپ وارد ذهن ما شده و به شناخت ما درباره ی میکروها کمک کننده بدانیم. مسئله دوم - آنچه را که وسایل و ابزار در اختیار ما می گذارند، همواره با بازتاب و عکس العمل هویت خود آن وسایل و ابزار می باشد. مسئله سوم - چنین فرض می کنیم که وسائل و ابزار مصنوعی در هنگام منتقل ساختن اطلاعات برای ما کمترین واکنش و بازتابی نداشته و می توانند واقعیات را دست نخورده از دالان خود عبور بدهند،